

کتاب به وجود خواهند آمد. حیف که من نمی‌خواهم جانمایه اصلی داستان را لو بدهم و می‌خواهم که خود شما هنگام خواندن رمان به آن پی ببرید، اما مطمئنم که پس از مطالعه کامل کتاب به این حرف من خواهید رسید که در کتاب دیگری، این نگاه جدید را ندیده بودید. نگاه جدیدی که ایده رمان‌های سوررئالیستی زیادی را به ذهن شما خواهد رساند.

یامین‌پور در ارتداد از استدراج می‌گوید، از عشق می‌گوید، از مبارزه می‌گوید، از یک شکست بزرگ می‌گوید و از حادثه‌ای می‌گوید که می‌توانست به گونه وحشتناک دیگری رقم بخورد. گونه وحشتناکی که در رمان خیالی ما اتفاق افتاده و با خواندن رمان هر لحظه به خود می‌گویید که اگر واقعا این اتفاق در تاریخ واقعی رخ می‌داد چه بلایی سرمان می‌آمد؟ از تصور ایرانی که ارتداد بریامان مجسم می‌کند، در خود می‌شکنیم و درد می‌کشیم!

در صفحه پایانی کتاب نوشته شده: «و هنوز هم ادامه دارد» و ما هم امیدواریم که این کتاب جلد دومی هم داشته باشد و ببینیم یامین‌پور این رمان خیالی را تا کجا ادامه خواهد داد؛ زیرا که کتاب از سال‌های دهه ۵۰ شروع می‌شود و در سال‌های دهه ۷۰ پایان می‌پذیرد. شاید در جلد‌های بعدی، به دهه ۹۰ یا بعد از ۱۴۰۰ نیز ادامه پیدا کند. در این صورت می‌توانیم بگوییم که نویسنده جهان موازی دیگری بریامان ساخته و آن را می‌پرورد و این است قدرت ادبیات و رمان!

کتاب ارتداد را انتشارات سوره مهر در ۲۴۸ صفحه چاپ و منتشر کرده است. قطع و جنس کاغذ خوب است، اما طرح جلد کتاب در چاپ اول و دوم واقعا نازبیا بود. البته باز خورد‌های منفی نسبت به طرح جلد اولیه، باعث شد دست‌اندرکاران انتشارات از چاپ‌های بعدی، طرح جلد جدیدی را طراحی و عرضه کنند، اما همین طرح جلد هم نیاز به بهتر شدن دارد و حیف است این کتاب خوب، با این جلد غیر جذاب عرضه شود.

در پایان به شما پیشنهاد می‌کنم این کتاب خوب را تهیه و مطالعه کنید و ایرانی را ببینید که در بهمن ۵۷ مسیرش به گونه دیگری از آنچه تاریخ به خود دیده است تغییر می‌کند. <sup>[۲]</sup>

برگ سبز و سند و کارت خودرو **پراید** مدل **صبا بنزینی**، مدل **۱۳۸۷**، به رنگ **سفید**، به شماره **انتظامی ۱۱م۵۴۹-۱۱-ایران ۵۳**، شماره موتور **2419382**، شماره شاسی **S1412287473185** به نام **امیر معینی کربکندی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

**گواهی حصر وراثت**

خاتم زهرا گلی به شناسنامه شماره ۳ باستاند شهادتنامه و گواهی فوت و رونوشت شناسنامه ورثه، درخواستی شماره ۹۸۱۸۷۵ ح ۱۰ تقدیم این شورا نموده چنین اشعار داشته است که شادروان احمد گلی شناسنامه شماره ۳۵۳ در تاریخ دوشنبه ۲ دی ۱۳۹۸ در گذشته و ورثه وی در هنگام درگذشت عبارتند از: **۱- زهرا گلی** فرزند قربانعلی شماره شناسنامه ۳ نسبت با متوفی: زوجه **۲- علی اصغر گلی** فرزند عیدی شماره شناسنامه ۳۷ نسبت با متوفی: پدر **۳- فاطمه گلی** فرزند احمد شماره شناسنامه ۱۱۳۵۸۱۱۱۲۰۰ نسبت با متوفی: فرزند- پس از تشریفات قانونی و انتشار یک نوبت آگهی در روزنامه و عدم وصول هر گونه لایحه یا اعتراض یا ارائه وصیت نامه سری یا رسمی حسب گواهی متصدی مربوطه سرانجام در وقت فوق العاده شعبه دهم حصر وراثت شورای حل اختلاف اصفهان به تصدی امضاء کنندگان زیر تشکیل و پس از ملاحظه پرونده کار گواهی می‌نماید که ورثه در گذشته منحصر به اشخاصی یاد شده در بالا بوده و وارث دیگری ندارد و دارایی آن روانشاد پس از پرداخت و انجام حقوق و دیونی که بر تر که تعلقی می‌گیرد و با عنایت به ماده واجده مربوط به اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ قانون مدنی مصوب ۶ بهمن ماه ۱۳۸۷ و به استناد ماده واحده الحاق یک تبصره به ماده ۹۴۶ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۷/۱/۱۶، مصوب ۱۳۸۹/۵/۲۶ مجلس شورای اسلامی به صورت زیر تقسیم می‌گردد: زهرا گلی (زوجه) ۱/۸ (یک هشتم) از اموال منقول و قیمت اموال غیرمنقول و مابقی ترکه به نسبت‌های زیر بین سایر ورث تقسیم می‌شود.

علی اصغر گلی (پدر) ۱/۴ (یک چهارم) از مابقی ترکه فاطمه گلی (فرزند) ۳/۴ (سه چهارم) از مابقی ترکه

اعتبار قانونی این گواهینامه از جهت مبلغ نامحدود است.



**نویسنده:**  
**وحید یامین پور**  
**انتشارات:**  
**سوره مهر**  
**صفحه**  
**۲۴۸**  
**۳۵۰۰۰ تومان**

**مروری بر رمان تازه منتشر شده «ارتداد»**

## روایت شکست



**[۱]** این هفته می‌خواهیم سراغ کتاب داغ و تازه از تنور بیرون آمده‌ای برویم که معرفی آن برای من حسرت کوچکی به همراه دارد؛ حسرت معرفی و نقد کتاب‌های نویسنده‌هایی که قبل از جایگاه نویسنده‌گی، جایگاه‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی یا رسانه‌ای دارند و اظهار نظر یا نقد تخصصی کتاب‌های این افراد همیشه تحت تأثیر خودآگاه یا ناخودآگاه سایر جایگاه‌های ایشان قرار می‌گیرد. خواه تأثیر مثبت، خواه منفی! و این مساله، قضاوت درست و اصولی و منطقی درباره این کتاب‌ها را هم برای منتقد و هم برای مخاطب نقد، سخت و مبهم می‌کند. مساله‌ای که من سعی کرده‌ام در این معرفی و نقد کوتاه کاملاً از آن حذر کنم و بدون در نظر گرفتن جایگاه سیاسی و رسانه‌ای وحید یامین‌پور که نویسنده این کتاب است، آن را برای شما معرفی کنم. امیدوارم شما هم با همین عینک بی‌طرفی، این یادداشت را بخوانید.



اسماعیل بنده‌خدا

روزنامه‌نگار

اجازه بدهید نتیجه‌گیری نهایی را همین ابتدای کار عرض کنم و سپس به دلایل نتیجه‌گیری‌ام بپردازم. به نظر من کتاب «ارتداد»، علاوه بر این‌که کتاب خوبی است، کتاب مهمی هم هست. اما چرا کتاب خوبی است؟ ارتداد کتاب خوبی است چون در مرحله اول، از همان صفحه ابتدایی کتاب، مخاطب را با ملایمت همراه خود کرده و او با نثر رمان احساس دوستی و راحتی می‌کند. نکته‌ای که در بسیاری از کتاب‌ها ما شاهد آن نیستیم و باید کلی با خودمان کلنجار برویم تا با متن و روند داستان همراه شویم، اما ارتداد این‌طور نیست و بدون اغراق از همان صفحه اول و از مکالمه دلنشین پدر و دختر که جزو سه شخصیت اصلی رمان هستند، با آنها همراه و درگیر می‌شویم. البته اگر کسی موضوع کلی رمان را نداند، در صفحات اول دچار یک سردرگمی اساسی می‌شود و وقتی اتفاقات رمان را با تاریخ حقیقی کشور می‌سنجد، گمان می‌کند که نویسنده دچار یک اشتباه بزرگ شده اما کافی است چند صفحه بیشتر با رمان همراه شوید تا جواب این سردرگمی خود را پیدا کنید. ارتداد زبان واقعا قوی و مستحکمی دارد و حین خواندن رمان، مخاطب کاملاً احساس می‌کند برای نوشتن رمان وقت کافی گذاشته شده و سرسری یکسری جملات سرهم‌بندی نشده که در نهایت یک کتاب را بسازد؛ نه. بلکه ما با نثر مستحکمی روبه‌رو هستیم و این یکی از مسائلی است که با توجه به جایگاه رسانه‌ای و سیاسی نویسنده، انتظار آن را نداریم. البته یامین‌پور در کتاب قبلی خود یعنی «نخل و نارنج» به ما نشان داده بود که نثر روان و دلنشینی دارد و آن را در این کتاب نیز تکرار کرده است. در متن کتاب، شما گاه و بیگاه با جملات و دیالوگ‌های بسیار شیوا و پرمغزی روبه‌رو می‌شوید که الحق والانصاف خیلی هایشان ظرفیت این را که برای همیشه به خاطر سپرده شوند، دارند؛ «برخی عشق را چنگکی می‌دانند که نیازهای تنشان را به آن بیاویزند. لحظه‌ای که نیاز غلیان می‌کند را حادثه عشق می‌نامند و آن را با تمنا می‌جویند و آن‌گاه که نیاز فروکش کرد، عشق را از یاد می‌برند. عشق محصول انس است و بعد از نیاز تن و در غیاب آن آغاز می‌شود. غیر از این تعریف را برای حضرت عشق، توهین‌آمیز می‌دانم.»

اینها يك قسمت کوتاه از خیل جملات ناب کتاب بود. جملاتی که پس از شنیدن شان، بلافاصله به یاد یکی از اسطوره‌های قلم